یادداشت روز

رزمندگان اقتصادی زیر آتش جست‌وجوی کلید در پاریس!

کمتر از دو هفته به گام سوم کاهش تعهدات برجامی ایران باقی مانده است. تحولات اخیر نشان می‌دهد اروپایی‌ها قصدی برای انجام تحرکی جدی در راستای عمل به تعهدات خود در قبال ایران ندارند و سیاست اتلاف وقت را در پیش گرفته‌اند. با این حال برخی نشانه‌ها حاکی است دولت آقای روحانی همچنان امیدوار است آبی از اروپا گرم شود. تماس‌های تلفنی طولانی رئیس‌جمهور با همتای فرانسوی خود و دیدار دیروز ظریف با ماکرون در فرانسه از جمله این نشانه‌ها هستند. ظریف پس از این دیدار گفته است: «فرانسه پیشنهادهایی را ارائه کرده بود و پیشنهادهایی را ما ارائه کردیم درباره نحوه اجرای برجام و گام‌هایی که نیاز است طرفین بردارند.»

در حالی که بیش از ۱۵ ماه از خروج رسمی آمریکا و عملی اروپا از برجام می‌گذرد، وزیر محترم امور خارجه کشورمان همچنان به دنبال نحوه اجرای برجام است و معتقد است؛ «پیشنهادهای ماکرون درباره برجام در مسیر درستی پیش می‌رود»! اقدامات و مواضع مقامات ارشد دولت نشان می‌دهد متأسفانه امید به سراب برجام، همچنان ذهن دولت «تدبیر و امید» را در اشغال خود دارد و آنان هنوز نتوانسته‌اند با واقعیت‌های صحنه، خود را تطبیق داده و برخوردی منطقی داشته باشند.

در همین حال هفته گذشته علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با یک رسانه آمریکایی، برجام را توافقی اشتباه دانست که نباید امضا می‌شد. موضعی که به‌طرز قابل تأملی از سوی رسانه‌های حامی دولت سانسور شد و بی‌سروصدا از کنار آن گذشتند. دلایل متعدد و متنوعی برای اشتباه بودن امضای برجام وجود دارد. یکی از اصلی‌ترین این دلایل را می‌توان در اظهارات اخیر برایان هوک، رئیس «گروه اقدام علیه ایران» مشاهده کرد.

نماینده ویژه دولت ترامپ در امور ایران مدعی شده که تحریم‌ها «احتمالاً» ایران را به میز مذاکره برخواهند گرداند. هوک در مصاحبه‌ای، درباره سیاست موسوم به «کارزار فشار حداکثری علیه ایران» گفت: «ما تلاش می‌کنیم فشاری به ایران تحمیل کنیم که احتمالاً این کشور را پای میز مذاکره برخواهد گرداند. تحریم‌ها در گذشته کارگر افتاده‌اند، احتمالاً باز هم کارساز خواهند بود.»

علت مهم و اصلی درباره اشتباه بودن برجام، در همین عبارت هوک نهفته است؛ «تحریم‌ها در گذشته کارگر افتاده‌اند»، پس «احتمالاً باز هم کارساز خواهند بود.» بزرگ‌ترین اشکال توافق هسته‌ای همین بود که آمریکایی‌ها را به طمع انداخت. وقتی با فشار و تحریم می‌توان در حوزه هسته‌ای امتیازهای کلان گرفت، چرا نباید این ابزار را در سایر حوزه‌ها - توان نظامی و به‌طور مشخص موشکی، نفوذ منطقه‌ای و حتی مسائل داخلی ایران- بکار گرفت؟! ترامپ برخلاف آنچه مشهور است و دولتمردان کشورمان نیز آگاهانه و با اهداف خاصی آن را مدام تکرار می‌کنند، هرگز مخالف اصل برجام نبوده و نیست. چطور می‌توان مخالف یک توافق بود و در عین حال به دنبال دائمی‌شدن آن بود؟! این سؤالی است که حامیان داخلی برجام تاکنون به آن پاسخ نداده‌اند.

اشکال اساسی و مهم دیگر برجام در اعتماد به دشمن بود. اگرچه دولتمردان مدعی هستند که به آمریکا اعتماد نداشته‌اند اما واقعیت‌های دوران مذاکرات و متن توافق چیز دیگری می‌گوید. اگر طبق آنچه می‌گویند اعتماد وجود نداشت باید اولاً تعهدات دو طرف همزمان اجرا می‌شد نه اینکه ما تمام گام‌ها را برداریم و دست خود را خالی کنیم و سپس منتظر عمل طرف مقابل به تعهدات خود باشیم. دوماً باید توافق به‌صورت گام‌به‌گام پیش می‌رفت تا درصورت بدعهدی حریف در هر گام، گام‌های بعدی ما نیز متوقف شده و خسارت کمتری وارد می‌شد.

«در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۹۴ یعنی روز تصویب [برجام]، رئیس‌جمهور آمریکا و شورای وزیران اتحادیه اروپا به‌صورت کتبی و رسمی برچیده شدن تمامی تحریم‌های اقتصادی و مالی ظالمانه و غیرقانونی خود را در چارچوب تعهداتشان در برجام اعلام نموده و آن را به‌عنوان سند قانونی در روزنامه‌های رسمی خود منتشر کردند»؛ این بخشی از نامه آقای روحانی به رهبر انقلاب بعد از تصویب برجام در ۳۰ مهر ۱۳۹۴ است. همین چند خط برای درک میزان اعتماد و خوش‌بینی نابجا نسبت به دشمن، کفایت می‌کند. مرور آنچه گذشته، برای مچ‌گیری و سرزنش نیست. هدف آن است که اولاً جلوی ضرر بیشتر گرفته شده و ثانیاً عبرت آن مانع از تکرار گزیده شدن از همان سوراخ شود.

دولت به دنبال امتیازگیری از اروپا و آمریکاست اما مشکل اینجاست که اقدامات و مواضعی اتخاذ می‌کند که دقیقاً برعکس این هدف است. وقتی مقامات ارشد اعلام می‌کنند نیازی به سوخت ۲۰ درصد نداریم، یعنی خیالتان راحت باشد که سراغ این بخش کلیدی و مهم نمی‌رویم؛ همان امتیازی که ابتدای مذاکرات و در توافق موقت به حریف واگذار شد. وقتی آقای رئیس‌جمهور می‌گوید؛ «این توافق اگر تا سال آینده باقی بماند تمام تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران به‌طور کامل برداشته می‌شود و این یعنی هر سلاحی را می‌خریم و می‌فروشیم و آماده هستیم برای خرید هر نوع سلاح»؛ یعنی ایران حداقل تا یک سال دیگر خیال خروج از برجام را ندارد. در چنین شرایطی و با چنین پیام‌هایی، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها وعده هم نمی‌دهند، چه رسد به امتیاز!

نکته قابل تأمل و بررسی آنکه این موضع اخیر رئیس‌جمهور را دو هفته پیش از آقای روحانی، یک عضو «گروه بین‌المللی بحران» بیان کرده بود. وی در اظهارنظری گفته بود: «ایران طی سال آینده برای نخستین‌بار طی ۲ دهه گذشته این امکان را خواهد داشت که از بازار بین‌المللی، سلاح‌های متعارف خریداری کند. این مسئله بر اساس مفاد برجام ممکن شده است. خروج از برجام این امتیاز را از ایران می‌گیرد. این برای امنیت ایران که در تمام این سال‌ها امکان خرید تسلیحات نظامی نداشته، یک ضرر بسیار جدی است.» سازمانی که با حمایت مالی جورج سوروس (یکی از اعضای هیئت امناء سازمان مذکور) اداره می‌شود، دنبال دست و پا کردن بهانه برای نگه داشتن ایران در برجام است و چند روز بعد آقای رئیس‌جمهور همان موضوع را بیان می‌کند؛ جالب نیست؟!

کشور سال‌هاست که درگیر یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است. جنگی که در یک دهه اخیر شدت و حدت بیشتری یافته است. دولت راه پایان این جنگ را در مذاکره و مصالحه با دشمن می‌دانست و برجام محصول چنین نگاهی بود. اما راه‌حل واقعی آن پشتیبانی و تقویت تولیدکنندگان به‌عنوان رزمندگان خط مقدم این نبرد اقتصادی است. بستن راه بر رانتخواران و مفسدان اقتصادی، تکمیل‌کننده این پشتیبانی است، چرا که مفسدان و رانتخواران - در هر لباس و مسئولیتی- همکار دشمن و خائن محسوب شده و مستحق شدیدترین مجازات‌ها هستند.

فرض کنید رزمنده‌ای در خط مقدم نبرد هستید و خبر می‌رسد فرماندهان شما به دنبال مذاکره و مصالحه با دشمن هستند. این خبر چه حسی در شما ایجاد می‌کند و از چنین رزمندگانی چقدر می‌توان انتظار جانفشانی داشت؟ وقتی به دنبال چانه‌زنی با دشمن برای فروش نفت باشید، یعنی به تولیدکننده داخلی برای چرخاندن چرخ اقتصاد اعتماد و اتکا نداریم. یکی از بزرگ‌ترین خسارت‌های برجام همین بود. ظاهراً قرار بود به اقتصاد کمک کند اما به‌قول مقام سابق بانک مرکزی «بعد از برجام با خوش‌بینی افراطی مصرف بدون محدودیت منابع را آغاز کردیم.» رزمندگان جنگ اقتصادی امروز در محاصره‌ای چندجانبه و زیر آتش سه جبهه هستند؛ از یک سو سوءمدیریت‌های اقتصادی، از سوی دیگر جبهه مفسدان و دلالان و رانتخواران و دیگر سو، تحریم و خباثت دشمن. کلید تقویت رزمندگان جنگ اقتصادی و شکستن این محاصره در اصلاح بوروکراسی پیر و کم کردن از هفتاد خانی است که باید از آن بگذرند، نه در بروکسل و وین و پاریس. وضعیت چنان است که اغلب تولیدکنندگان می‌گویند اینکه دولت برای ما مشکل و مانع ایجاد نکند، خودش بزرگ‌ترین کمک است!

محمد صرفی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

هیچ‌کس از شمشیر عدالت مصون نیست حتی نمایندگان مجلس!

سرویس اجتماعی- **خبر دستگیری دونماینده مجلس در ارتباط با پرونده پیش‌فروش محصولات شرکت خودروسازی سایپا، بار دیگر نشان داد عزم قوه قضائیه در برخورد با فساد اقتصادی و اداری بیش از همیشه جزم است.**

این روزها خبرهای مهمی از برخورد قوه قضائیه با فساد اقتصادی منتشر می‌شود که باعث امیدواری مردم به اراده قطعی و محکم این دستگاه برای مطالبه حقوق پایمال شده آنها دارد.

فارغ از هرگونه قضاوت و پیش داوری درباره عملکرد افراد بازداشت شده در روزهای اخیر تا قبل از تشکیل دادگاه و محاکمه آنها، گام بزرگ قوه قضائیه در برخورد بدون توجه به جایگاه و مسئولیت این افراد قابل تقدیر است.

بازداشت افرادی همچون رئیس پیشین سازمان خصوصی‌سازی، مدیرعامل شرکت ایران خودرو، تعدادی از مدیران شرکت سایپا، شهردار خرم‌آباد، شهردار شهریار و... و در نهایت بازداشت دو نماینده مجلس در ارتباط با پرونده فروش محصولات سایپا که سخنگوی قوه قضائیه نیز آن را تأیید کرد نشان از ارتقای سطح برخورد قوه قضائیه با عوامل دخیل در مشکلات اقتصادی مردم و کشور دارد.

پیش از این یکی از مطالبات مردم از دستگاه قضا این بود که چرا برخورد با عوامل ایجاد اخلال در بازار یا اقتصاد کشور در سطوح میانی متوقف می‌شود و مسئولان دخیل در ایجاد این مشکلات همواره مصون از بازخواست یا محاکمه هستند؟ البته نباید از برخورد قاطع قوه قضائیه در دوره قبل با عوامل دخیل در مشکلات اقتصادی به‌ویژه پس از استجازه رئیس قبلی قوه قضائیه از محضر رهبر انقلاب و تشکیل دادگاه‌های ویژه گذشت چرا که این دادگاه‌ها منجر به برخورد با بسیاری از عوامل موثر در شرایط نابهنجار اقتصادی و حتی اعدام و محکومیت به حبس‌های طویل‌المدت تعداد زیادی از مفسدان اقتصادی شد و در مواردی نیز برای افرادی همچون معاون ارزی بانک مرکزی یا رئیس کل سابق این بانک نیز پرونده تشکیل شد که این پرونده در جریان است، اما اکنون ادامه قوی‌تر این رویکرد در دوره جدید مدیریت دستگاه قضایی که در برخورد با فساد خط قرمزی غیر از قانون نمی‌شناسد، علاوه بر امیدواری مردم، ترس را در پیکر مفسدان اقتصادی و حتی مسئولانی که یا با این مفسدان ارتباط داشته و یا سوء مدیریت آنها باعث جولان این مفسدان و ایجاد مشکلات فراوان برای مردم شده انداخته است.

متأسفانه نوعی مصونیت نانوشته و تحمیلی بر دستگاه مدیریتی کشور برای برخی از مسئولان طی سال‌های گذشته تا کنون بیشترین لطمه را برای اقتصاد و سیستم مدیریتی کشور به دنبال داشته است چراکه وقتی یک مسئول لزومی برای پاسخگویی درباره شیوه مدیریتی خود و آثار بعضاً زیان بار آن نبیند و پس از یک دوره مدیریت در فلان سازمان بدون بررسی عملکرد به سازمان دیگر رفته و از آنجا با ارتقای جایگاه به جای دیگر، وضعیت همین می‌شود که مردم قربانی سوء مدیریتی می‌شوند که راهی برای خلاصی از آن نمی‌یابند، اما شیوه قاطع دستگاه قضایی در برخورد بدون استثنا با عوامل ایجاد مشکلات و سوء مدیریت‌ها در سطوح مختلف مسئولیت این امیدواری را ایجاد کرده است که آقایان مدیر و مسئولان کشوری متوجه اهمیت جایگاه خود شوند و فکر نکنند مدتی برای دورهمی و استفاده از مزایای رانتی و باندی مسئولیت در جایگاهی قرار گرفته‌اند و هیچ‌کس نیز آنها را برای خسارت‌های مدیریتی و بهتر بگوییم سوء مدیریت‌ها و بی‌لیاقتی‌ها بازخواست نخواهد کرد.

این موضوع اکنون باید به یک مطالبه و حتی فرهنگ در سیستم مدیریتی کشور تبدیل شود که پذیرش مسئولیت در هر حوزه‌ای علاوه بر داشتن ملزوماتی از جمله شایستگی، سواد، توانایی مدیریت، پاکدستی و دوری از تصمیمات قبیله ای، آمادگی پاسخگویی و دفاع از مدیریت را نیز می‌طلبد. اینکه یک نماینده مجلس به جای تمرکز بر روی حل مشکلات مردم از جمله صف انتظار طولانی تحویل پیش فروش خودروهای ثبت‌نامی، درگیر پرونده فروش محصولات یک شرکت خودروسازی شود، نیازمند بررسی دقیق و برخورد قاطع در صورت احراز می‌باشد تا عبرتی برای دیگر مسئولان شود که به اسم خدمت به مردم در فکر تقویت موقعیت خود نباشند.

از سوی دیگر تقسیم مدیریت‌ها نباید بر اساس رابطه و زدوبندهای سیاسی باشد و مسئولان رده‌بالا نیز که یک مدیر فاسد یا ناتوان را بر مسئولیت مهمی می‌گمارند از آنجا که قطعاً در نتیجه این انتصاب زیانبار برای کشور و مردم دخیل هستند، باید پاسخگوی انتصابات و عزل و نصب‌های خود باشند.

اینکه پس از روی کار آمدن دولت‌ها مسئولیت‌ها و مدیریت‌های مهم کشور تبدیل به تصفیه حساب‌های رفاقتی یا حزبی آقایان می‌شود نیز یکی دیگر از معضلات کشور است چراکه وقتی فلان شخص به‌دلیل خوش‌خدمتی در ستاد انتخاباتی به فلان مسئولیت می‌رسد یا دیگری به‌دلیل ساخت مستند انتخاباتی بدون داشتن حداقل شایستگی به عضویت فلان هیئت مدیره مهم منصوب می‌شود در واقع پرداخت دستمزد این خدمات شخصی از جیب مردم است.

حال که این اراده و عزم جزم برای برخورد با فساد در دستگاه‌ها وجود دارد، باید با حمایت مردم، رسانه‌ها و مسئولان دلسوز و پاکدست ادامه پیدا کند تا سره از ناسره مشخص شود و سوءتدبیر یا فساد در برخی رده‌ها یا مسئولان یا نزدیکان آنها به ناحق به پای همه سیستم مدیریتی کشور نوشته نشود.

موضوع مهم دیگر اینکه برخورد با مسئولان متخلف یا ناتوان می‌تواند باعث رونق اقتصاد و تولید هم شود چرا که این مسئولان بی‌کفایت به مرور خود تبدیل به سدی محکم و آزاردهنده در مسیر تولیدکنندگان یا سرمایه‌گذاران خوش‌فکر و سالم شده‌اند و برخورد با آنها می‌تواند باعث دلگرمی تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی در بخش خصوصی نیز شود.

حال که سطح برخورد با سوء مدیریت‌ها ارتقا پیدا کرده است دستگاه قضا باید به مطالبه به حق مردم درباره تصمیم پرحاشیه و خسارت آفرین ارزی دولت در سال گذشته نیز ورود پیدا کند تا مسببان تضییع میلیاردها دلار سرمایه مردم و کشور در هر سطحی که هستند پاسخگوی عملکرد خود باشند. موضوعی که رهبر انقلاب نیز به آن اشاره مستقیم داشتند. ایشان مردادماه سال گذشته در دیدار هزاران نفر از قشرهای مردم از استان‌های مختلف با اشاره به مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور و گرانی‌های فراوان، گفتند: «در همین قضایای ارز و سکه گفته شد مبلغ۱۸ میلیارد دلار از ارز موجود کشور آن هم در حالی که برای تهیه ارز مشکل داریم، بر اثر بی‌تدبیری، به افرادی واگذار شد و برخی از آن سوءاستفاده کردند. این موارد مشکلات مدیریتی است و ارتباطی با تحریم‌ها ندارد. وقتی ارز یا سکه به‌صورت غلط عرضه و تقسیم می‌شود، مشکلات فعلی به‌وجود می‌آید زیرا این قضیه دو طرف دارد، یک طرف آن فردی است که دریافت می‌کند و طرف دیگر آن کسی است که عرضه می‌کند. همه بیشتر به‌دنبال آن فردی هستند که ارز یا سکه را گرفته است در حالی که تقصیر عمده متوجه آن فردی است که ارز یا سکه را با بی‌تدبیری عرضه کرده است که اقدامات اخیر قوه قضائیه نیز در واقع برخورد با کسانی است که با یک تخلف و خطای بزرگ، زمینه‌ساز این مسائل و کاهش ارزش پول ملی شدند.»

حال که این تصمیم ارزی از سوی رهبر انقلاب با تعابیری همچون «یک تخلف و خطای بزرگ» مورد انتقاد قرار می‌گیرد، افراد موثر در آن نیز باید در محضر دستگاه قضا و مردم پاسخگوی عملکرد خود باشند.

گفت و شنود

فراموشکار!

گفت: آقای سریع‌القلم که نقش پُررنگی در دفاع از برجام داشت و بی‌وقفه از دستاوردهای آن دفاع می‌کرد گفته است؛ آمریکاشناسان می‌دانستند که پایه‌های برجام، سُست و شکننده است!

گفتم: ولی ایشان که خودش را آمریکاشناس جا می‌زد و به صدا و سیما اعتراض می‌کرد که چرا درباره اعتماد به آمریکا از مردم نظرسنجی کرده است و با اهانت به مردم می‌گفت نباید در این‌باره از لبوفروش و راننده تاکسی نظرسنجی کرد! حالا چی شده که؟!

گفت: خب، حالا که فاجعه برجام برملا شده، دنده‌عقب گرفته است! و آنهمه تعریف و تمجیدش از برجام را فراموش کرده است!

گفتم: یارو به دکتر گفت؛ مدتی است به بیماری فراموشی مبتلا شده‌ام. دکتر پرسید؛ از کی به این بیماری مبتلا شده‌اید؟ طرف با تعجب گفت؛ کدوم بیماری؟!

در گزارش تحلیلی کیهان بررسی شد

نمایان شدن دست چدنی FATF از زیر دستکش مخملی اینستکس

سرویس سیاسی- **بر طبق اخبار غیررسمی، دولت دوازدهم در قالب اینستکس در حال انعقاد توافقی محرمانه با اروپا است. این توافق شامل محورهای مختلفی است اما دو موضوع «ایجاد بستر برای لو رفتن اطلاعات اقتصادی» و «زمینه ایجاد خودتحریمی تحمیلی در داخل کشور» از مفاد نگران کننده این توافقنامه است که در پرونده FATF نیز هسته اصلی چالش‌برانگیز آن محسوب می‌شد.**

پس از اجرایی شدن برجام، فضای اقتصادی کشور به دو بخش تحریمی و غیرتحریمی تقسیم شد و بانک‌های اروپایی اعلام کردند که برای همکاری با بخش خارج شده از تحریم، باید فضای اقتصاد ایران شفافیت لازم را داشته باشد تا اطمینان حاصل گردد که شرکت‌ها و نهادهای تحریمی از منافع همکاری بانک‌های اروپایی با نهادهای غیرتحریمی منتفع نخواهند شد؛ لذا برای ایجاد شفافیت خارجی و اقناع طرف‌های اروپایی، اجرای برنامه اقدام FATF و همگام‌سازی با استانداردها و توصیه‌های این گروه در داخل کشور توسط دولت یازدهم کلید خورد. اقدامی که از همان ابتدا با تهدید قرارگرفتن اطلاعات مهم اقتصادی در دست دولت‌های متخاصم و هشدارهای جدی‌شماری از کارشناسان و مسئولان برای بازداشتن دولت از افتادن به دام خطرات احتمالی همراه بود.

FATF ابزاری برای نقطه‌زنی تحریم‌ها

از آنجایی که در نبرد اقتصادی نیز مانند جنگ نظامی، دستیابی به اطلاعات کلیدی تعیین‌کننده است و کشوری که اطلاعات دقیق‌تری از طرف مقابل دارد، دست برتر را خواهد داشت؛ با خروج آمریکا از برجام و دمیدن هرچه قدرتمندتر این مستکبر جهانی در شیپور جنگ اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران، خطر اجرای برنامه اقدام و الحاق به کنوانسیون‌های مرتبط با آن در کشور به مراتب افزایش یافت. اجرای کامل برنامه اقدام FATF می‌توانست دو نتیجه پرمخاطره را در پی داشته باشد: اولا با دستیابی آمریکا به اطلاعات اقتصادی ایران، دقت هدف‌گیری سلاح مالی این کشور علیه ایران در جنگ اقتصادی افزایش یافته و شرکت‌ها و نهادهای دورزننده تحریم، شناسایی و تحریم می‌شدند. ثانیا به واسطه شفاف شدن فضای اقتصادی داخلی برای طرف‌های خارجی، بازیگران اقتصادی داخلی از همکاری با نهادها و شرکت‌های تحریمی خودداری می‌کردند تا خود در دام تحریم گرفتار نشوند. این رویکرد و نحوه طرح‌ریزی غرب، از استراتژی قدیمی سلطه‌گران آمریکایی یعنی «دشمنت را به دست خودش نابود کن» ناشی می‌شود. آمریکایی‌ها در بسیاری از موارد در طول تاریخ، دشمنان خود را به دست خودشان و به‌واسطه هم‌پیمانان داخلی تضعیف کرده و از بین برده‌اند که از نمونه‌های آن می‌توان به کشتار مسلمانان به دست مسلمان‌نماها (داعش، القاعده و...) و همچنین قتل‌عام سرخپوستان به دست قبایل سرخپوست دیگر برای دریافت جایزه اشاره کرد؛ به عبارت دیگر آمریکایی‌ها به‌دنبال تبدیل جنگ اقتصادی آمریکایی- ایرانی به جنگ اقتصادی ایرانی- ایرانی بوده و هستند.

تغییر تاکتیک دشمن در قالب یک شوخی تلخ!

حرکت در مسیر استانداردها و برنامه اقدام گروه ویژه اقدام مالی دستاوردی جز «لو رفتن اطلاعات» و «خودتحریمی» نمی‌توانست داشته باشد؛ اما به دلیل آگاهی سراسری به‌وجود آمده در کشور و هوشیاری اعضای محترم شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، دسیسه نظام سلطه برملا شد و از تصویب دو لایحه الحاق به کنوانسیون‌های مربوط به FATF یعنی پالرمو و CFT ممانعت به‌عمل آمد.

دشمن با ناامیدی از کارگرافتادن حربه FATF در راستای استراتژی جنگ اقتصادی با ایران، با یک تغییر تاکتیک حساب‌شده به ابزارهای دیگر برای نیل به دو هدف اصلی خود یعنی «لو رفتن اطلاعات اقتصادی» و «خودتحریمی» جمهوری اسلامی ایران متوسل شده است؛ اما به ظن حریف، جنگ‌افزار جدید- اینستکس- از آنجایی که (در ظاهر) در راستای مطالبات ایران و تعهدات اروپا به جبران گوشه‌هایی از خسارات ناشی از خروج آمریکا از برجام و با تصدی‌گری اروپاست، حساسیت کمتری را در طرف ایرانی برخواهدانگیخت و امکان عملیاتی شدن بیشتری دارد. در واقع آمریکا قصد دارد که به زعم باطلش با چاقوی قرضی اروپا اقتصاد ایران را ذبح کند.

بقیه در صفحه۱۱

خبر ویژه

مذکرات نابجا در پاریس
فرانسه در جایگاهی نیست که شرط بگذارد

وزیر امور خارجه، دیروز پس از ملاقات با رئیس‌جمهور فرانسه، مذاکرات انجام گرفته را سازنده خواند.

محمد جواد ظریف گفت فرانسه پیشنهادهایی را ارائه کرده و ما هم پیشنهادهایی را ارائه کرده‌ایم. درباره نحوه اجرای برجام و گام‌هایی که نیاز است طرفین بردارند.

او گفت: ما برجام را غیرقابل مذاکره مجدد می‌دانیم. ظریف در جریان سفر به سوئد هم به پایبندی ایران به تعهداتش براساس برجام اشاره کرده و گفته: ما به آنچه که پذیرفته بودیم عمل کردیم اما به نظر می‌رسد که طرف مقابل می‌خواهد مسائلی را به ما دیکته کند در حالی که در متن برجام به آن مسائل اشاره شده و به صراحت بیان شده است و هیچ چیز ناگفته‌ای در توافق وجود ندارد.

با وجود این اظهارات، به نظر می‌رسد دولت فرانسه درصدد دور زدن برجام است؛ چنان که گفته می‌شود ماکرون خواستار دائمی کردن بند موسوم به غروب در برجام (نظارت‌ها و برخی محدودیت‌های هسته‌ای) است و در عین حال بر مذاکرات برای محدود کردن برنامه موشکی ایران به عنوان شرط اجرای وعده‌های جدید اصرار دارد.

روزنامه دولتی ایران روز پنج‌شنبه درباره بسته پیشنهادی فرانسه که ظریف برای مذاکره درباره آن به پاریس رفت، نوشت: «پاریس بعد از ناکام ماندن طرح فریز در برابر فریز، گزینه مذاکره دیگری را روی میز گذاشته است؛ ایده کمک مالی فرانسه به تهران مشروط به فراهم شدن مقدمات گفت‌وگو پیرامون سه موضوع چالش برانگیز.

نخستین درخواست پاریس از ایران گفت‌وگو پیرامون بندی از برجام موسوم به «بند غروب» است که محدوده زمانی ۱۰ ساله توافق هسته‌ای را مورد اشاره قرار می‌دهد.

افزون بر این، پاریس از تهران می‌خواهد در ازای کمک اقتصادی، به درخواست گفت‌وگو درباره فعالیت‌های موشکی‌اش و مسائل مورد بحث در منطقه خاورمیانه پاسخ مثبت دهد. پاریس همچنین خواستار آن شده که تهران در صورت پذیرفتن این پیشنهاد در زمینه اجرای برجام خویشتنداری کرده و شرایط تعهدات برجامی‌اش را به نقطه آغاز بازگرداند.

ناگفته پیداست که پیشنهادات مستتر در ابتکار عمل مکرون برای نجات برجام چندان مورد اقبال مقام‌های ایران واقع نشده است.»

روزنامه ایران در ادامه تصریح می‌کند: «گرچه با وجود گزاره‌های پیش‌گفته، قرار دادن توصیف «امیدبخش و سازنده» برای گفت‌وگوهای تهران و پاریس با تردیدهایی مواجه است و اما آنچه حائز اهمیت است اینکه ایران تلاش می‌کند مدار دیپلماسی با قدرت‌های منظومه غرب را برای اثبات ضرورت حفظ پارادایم گفت‌وگو حفظ کند.

از این رو، بسیار مهم است که در مقطع مهم کنونی دولت ایران با ایفای سهم قابل اعتنای خود برای حفظ توافق هسته‌ای در حفظ و بهبود روابط سیاسی خود با کشورهای اروپایی و سایر کشورهای مهم جهان مداومت به خرج دهد.»

چنان که پیداست، در اینجا تناقضی وجود دارد. اگر برجام، روشن و غیر قابل مذاکره است، پس مذاکرات جدید برای چیست؟ و چرا آقای ظریف با وجود اطلاع از انتظارات فرابرجامی دولت بدعهد فرانسه، سفر به پاریس و مذاکره درباره مطالبات فرابرجامی را می‌پذیرد؟ آقای ظریف در جریان سفر اخیر به نروژ گفت در پیشنهادات ماکرون و روحانی، نقاط مشترکی وجود دارد. اما روشن نمی‌کند که این نقاط مشترک کدام است؟ اگر برجامی است، چرا از سوی اروپا از جمله فرانسه اجرا نمی‌شود؟ و اگر فراتر از برجام است، چرا ایران باید تعهدات جدیدی را بپذیرد و امتیازات جدیدی بدهد، حال آن که تمام وعده‌های برجامی غرب، هیچ و پوچ از آب درآمده و کاملاً بر عکس اجرا شده است؟!

در واقع ما با یک تناقض راهبردی روبه‌رو هستیم. دولت از یک سو در قبال هشدار کارشناسان داخلی مبنی بر لزوم توقف متقابل تعهدات برجامی، اصرار دارد بگوید که از برجام کوتاه نمی‌آید. اما هم‌زمان در خارج، مذاکراتی را می‌پذیرد که ابتدا به ساکن، بر دور زدن برجام از سوی غرب تأکید دارد و این از عجایب است که غرب از ایران انتظار دارد به همه تعهدات برجامی‌اش پایبند باشد اما در عین حال از غرب انتظاری نداشته باشد؛ مگر این که امتیازات دیگری را هم فراتر از برجام واگذار کند!

به بیان دیگر دولت و وزارت خارجه باید روشن کنند که آیا در عمل هم برجام را غیرقابل مذاکره مجدد می‌دانند یا خیر؟ اگر برجام غیرقابل مذاکره مجدد است، مطالبات فرانسه این وسط چیست؟ و چرا درباره مذاکراتی از این دست باید لفظ سازنده را به کار برد.

یادآور می‌شود ماکرون پریروز گفت: پیشنهاداتی برای سبک کردن مجازات‌های وضع شده علیه ایران ارائه کرده‌ام.

او در عین حال گفت: این پیشنهادها در برابر تعهد دولت ایران، اجرای دقیق برجام و قبول مذاکرات تازه (درباره برنامه موشکی و دخالت‌های منطقه‌ای ایران) براساس آنچه آمریکا و ما خواستار آن هستیم،ارائه شده است. اما آنچه در این میان مغفول مانده، تعهدات برزمین مانده فرانسه و قراردادهای توتال و پژو و ایرباس است که با بدعهدی نقض شده است. بنابراین فرانسه باید قبل از هر وعده موهوم جدید، به تعهدات امضا شده خود برگردد؛ و هیاهوی هیچ و پوچ مذاکرات جدید، برای صفر کردن تعهدات برجامی ارزیابی می‌شود.

انگلیس باید خسارت بدهد تا نفتکش استنا ایمپرو آزاد شود

تلویزیون سوئدی اس‌وی‌دی می‌گوید ایران به زودی نفتکش توقیف شده انگلیسی را آزاد می‌کند.

این شبکه تلویزیونی روز پنج‌شنبه به نقل از منابعی در وزارت خارجه سوئد گزارش داد «شواهدی بسیار قوی» دریافت شده نشانگر آن است که ایران به زودی نفتکش توقیف شده استنا ایمپرو را آزاد خواهد کرد.

تلویزیون اس‌وی‌دی به جزئیات این موضوع اشاره‌ای نکرده اما خبرگزاری رویترز موضوع را بر سفر روز چهارشنبه وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به سوئد مرتبط دانسته است. به گزارش رویترز، وزارت خارجه سوئد در ای‌میلی که به این خبرگزاری فرستاده، تنها گفته است: ما به سخنان علنی محمد جواد ظریف مبنی بر امیدواری به آزادی سریع استنا ایمپرو «نگاهی مثبت داریم اما آنچه را در جلسات به زبان آمد افشا نمی‌کنیم».

نفتکش استنا ایمپرو زیر پرچم انگلیس و با کارگزاری شرکت سوئدی «استنا بالک» فعالیت می‌کرد. رویتر می‌گوید: مالک این نفتکش در استکهلم، پایتخت سوئد، با محمدجواد ظریف دیدار و گفت‌وگو کرده است. حدود دو هفته پس از توقیف نفتکش ایرانی «گریس۱» در آب‌های جبل‌الطارق، سپاه پاسداران در ۲۸ تیر اقدام به توقیف استنا ایمپرو کرد. یادآور می‌شود راهزنی دریایی انگلیس و توقیف ۴۰ روزه نفتکش حامل نفت ایران، خساراتی را متوجه ایران کرده است و بنابراین طبیعی است که افکار عمومی و صاحب‌نظران ایرانی بر ضرورت تأدیه این خسارت، قبل از آزادی نفتکش انگلیسی تأکید داشته باشند.

اگر تصمیمات ارزی دولت را غیرکارشناسی می دانستید، چرا اجرا کردید؟

معاون ارزی پیشین بانک مرکزی باید به برخی سؤالات پاسخ دهد.

سایت الف با اشاره به برگزاری دادگاه احمد عراقچی و توجیهات وی که تقصیرهای سوءمدیریت ارزی را گردن دولت انداخته بود، نوشت: در زمان انتصاب عراقچی به معاونت ارزی بانک مرکزی نیز حرف و حدیث‌های زیادی بر سر سیاسی‌بودن این انتصاب به دلیل نداشتن سوابق مؤثر وی در این جایگاه مطرح بود.

اظهارات اخیر او چنین تفسیر شد که یکی از متهمان سعی در انداختن تقصیر به گردن دیگران دارد. الف در ادامه می‌پرسد:

۱- آقای احمد عراقچی زمان انتصاب خود به چنین سمت مهمی، نپرسید علت این انتصاب چیست؟ براساس کدامین ویژگی برجسته خود را برای پذیرش چنین امانت مهمی مناسب دید؟

۲- ایشان حتماً توانایی لازم برای پذیرش این پست را در خود حس کرده است. از ملزومات این توانایی آن است که دستورات صحیح و غلط را بتواند تمییز دهد و شجاعت ایستادگی در مقابل دستورات غلط را داشته باشد.

۳- آیا ایشان دستوری که از جانب مافوق داده شد را مطابق مصالح عمومی می‌دانست یا خیر؟

۴- اگر ایشان این دستور را مطابق مصالح عمومی می‌دانست پس در دادگاه باید از آن دستور دفاع کند و در این حالت موضوع بحث، دستور مافوق نیست بلکه تأیید کارشناسی ایشان هم همین بوده است و باید پاسخگوی نظر خود باشد و اگر به دلیل تشخیص اشتباه، خسارتی ایجاد شده است مطابق موازین جوابگو باشد.

۵- اگر این دستور را مطابق مصالح عمومی‌نمی‌دانست، چرا در مقابل آن ایستادگی نکرد یا استعفا نداد؟

سلامتی: مشکل اقتصاد سوء مدیریت دولت است نه رفراندوم

یک فعال اصلاح‌طلب تصریح کرد حل مشکلات اقتصادی نیاز به رفراندوم ندارد بلکه به ضعف مدیریت دولت بازمی‌گردد و مدیریت باید ارتقا یابد.

محمد سلامتی درباره زمزمه گاه‌وبی‌گاه رفراندوم از سوی برخی مدیران دولتی به جماران گفته است باید دید که چه موضوع حاد اقتصادی داریم که طبق قوانین موجود قابل حل شدن نیست؟ مثلاً در مورد مسائل اقتصادی وقتی همه امور در دست دولت است و بخش خصوصی نمی‌تواند طبق قانون ورود کند، می‌توان این مسئله را که آیا از این به بعد هم باید کارها همه در دست دولت باشد یا نباشد را به رفراندوم گذاشت. یا بالعکس وقتی همه کارها در دست بخش خصوصی باشد می‌توان برای تغییر آن به نظر عموم مراجعه کرد.

سلامتی گفت: آقای روحانی باید موارد رفراندوم را صریح، روشن و مشخص بیان کند. تنها در چنین حالتی است که دلیل و ریشه مخالفت مقاومت کنندگان در برابر رفراندوم روشن خواهد شد. هر چند من الان هیچ موضوعی که ضرورت برگزاری رفراندوم درباره آن باشد به ذهنم نمی‌رسد. ولی اگر مهم‌ترین مسئله امروز جامعه را اقتصادی بدانیم، با اینکه حاد